نگاه

امید به تصویب لوایح جایگزین حبس

دکتر علی نجفی‌توانا *

■ امروز دیگر تولید زرادخانه‌های کیفری به عنوان ابزارهای واکنشی در مقابل پدیده بزهکاری و انواع جرایم موثر و کارساز نیست. در واقع تاریخ مصرف نگاه سنتی در برخورد با جرایم منقضی شده است. مکاتب عرفی و فلسفی با اذعان به این امر از چندین دهه قبل در جست‌وجوی روش‌های جانشین و تدابیر جایگزین هستند. نظام کیفری ما در بخش واکنش‌ها، جز آنچه مربوط به حدود، قصاص و دیات (واکنش‌های فقهی) است، در سایر ابعاد اعم از انواع کیفر و شیوه‌های اجرای آن به تاسی از نظام عرفی مورد اجرا قرار می‌گیرد. هر چند در دو، سه دهه اخیر، برخی از مسوولان و مدیران بخش‌های اجرایی، قضایی و تقنینی اهتمام فراوانی در تغییر الگوها به کار بردند، اما لاجرم الزامات عینی در این بخش پذیرش تجارب جوامع دیگر در بخش مربوط به انواع تدابیر واکنشی و روش‌های اجرای آن قانون خود را به اجبار قبولاند.

بر همین اساس، بعد از چند سال از تجربه تقنینی و قضایی به تدریج مسوولان رویکردی منطقی‌تر در گستره شیوه‌های واکنش به مجرمان پذیرفتند. در دوره ریاست آیت‌الله شاهرودی بر قوه‌قضاییه به ویژه در دوره دوم مسوولیت ایشان برخی لوایح و پیشنهادات مربوط به تجددنگری در سیاست جنایی تقنینی و قضایی نمودار شد و پیشنهاداتی در مورد جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی به مجلس ارایه شد. در خصوص مقررات شکلی، موضوع ایجاد تشکیلات قضایی ویژه برای اطفال مطرح و تدابیر جایگزین و اصطلاحا جایگزین‌های کیفر حبس به مجلس ارایه شد اما متاسفانه به دلایل نامعلومی اکثر این لوایح تشریفات تصویبی را طی نکرد و کماکان در مجلس معطل و معوق مانده است. در دوره ریاست آیت‌الله لاریجانی، این امید ایجاد شد که شاید نه‌تنها در ادامه تجددخواهی در مدیریت قضایی کشور بلکه با تعمیق شیوه مدیر سابق نظام قضایی ما با واقع‌بینی و شناخت شرایط عینی جامعه، سیاست جنایی جدیدی اتخاذ و به صورت موثر در اعمال و اجرای آن اهتمام ورزد. امیدی که چندان موقعیت اجرایی به خود نگرفت و شیوه‌های سنتی حول محور اعمال مجازات‌ها و حتی اجرای علنی آنها بی‌توجه به واقعیت‌های پدیده بزهکاری و بدون آسیب‌شناسی اجرا شد.

انتشار خبر جدید در خصوص ضرورت به کارگیری تدابیر جانشین حبس با نوعی تردید در محفل علمی و قضایی مورد ارزیابی قرار گرفت که البته برآیند حداقلی آن انگیزش امیدهای جدیدی در چرخش نظام مدیریتی قوه‌قضاییه به راهکارهای علمی و موثر است. بنابراین این دیدگاه در صورتی که به جد مورد پیگیری و اجرا قرار گیرد، چند نتیجه مثبت در عرصه سیاست جنایی به وجود خواهد آورد: اولا، اینکه مسوولان نظام قضایی با واقع‌بینی پذیرفته‌اند که جرم به‌مثابه یک رفتار نامتعادل به جای اینکه زمینه‌ای برای انتقام از مجرم را پدید آورد، باید موجباتی برای بازپروری و جامعه‌پذیری او را ایجاد کند. ثانیا، بزهکار نباید تنها در قالب سیاست سزادهی و ارعابی مورد برخورد واقع شود، بلکه باید از شیوه‌های هدفمند و موثر در احیا و جامعه‌پذیری، وی مورد عمل قرار گیرد. ثالثا، شیوه زندان‌داری ما به علت فقدان تجهیزات کافی، فضای فیزیکی لازم و عدم امکان اجرای تدابیر علمی، زندان را صرفا به محل نگهداری تبدیل کرده است و اثرات منفی عاطفی، اخلاقی، فرهنگی، خانوادگی، حرفه‌ای و اجتماعی، تتمه مقاومت روانی زندانی را بعد از ترخیص از بین برده و استعداد جنایی وی را برای تکرار جرم ارتقا خواهد بخشید.

بنابراین حتی‌الامکان برای گریز از اعمال مجازات حبس و استفاده از جایگزین‌های ممکن و جدید نمی‌تواند شانس جدیدی برای تقلیل فرصت‌های ارتکاب جرم را در مورد مجرم فراهم آورد. رابعا، با اتخاذ این تدابیر، هزینه‌های کمتری به مالیات‌دهندگان و بیت‌المال تحمیل خواهد شد. امروزه ما شاهد اجرای مجموعه متنوعی از تدابیر جایگزین در اکثر کشورهای دنیا به صورت موفقیت‌آمیزی بوده‌ایم. مثلا با توجه به تخصص مرتکبان جرم می‌توان از آنها تحت مکانیسم تعریف‌شده و آزموده جوامع دیگر در بخش‌های مختلف استفاده کرد. به جای استفاده از زندان در محابس معمولی و عادی، اجبار اقامت در خانه یا اصطلاحا حبس خانگی از شیوه‌های دیگر این تدابیر است. کار در مزارع و کارخانه‌ها، می‌تواند شیوه دیگری از تدابیر باشد. ممنوعیت خروج از شهر، حوزه قضایی یا کشور از نمونه‌های دیگر این تدابیر است. استفاده از تکنولوژی در ایجاد محدودیت تردد و کنترل تردد در قالب حبس‌های الکترونیکی که ابزار مناسبی برای نظارت بر آمد و شد فرد محکوم است، شیوه موثر دیگری در این زمینه است. ایجاد محدودیت در رفت و آمد در اماکن خاص یا الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی یا ترک اعتیاد انواع دیگری از این تدابیر است. اما تمام این امیدها منوط به تسریع در تصویب لوایح مربوط به جایگزین‌ها، دادگاه‌های تخصصی اطفال، خانواده، قانون چک، مقررات مربوط به قضازدایی، کیفرزدایی، جرم‌زدایی، زندان‌زدایی و... است. طبیعتا اگر این اراده مدیریتی برای اجرای چنین طرح مفید، مهم و عظیمی وجود داشته باشد، از هم‌اکنون باید سازوکارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و ایجاد کمیسیون‌های علمی و عملی و مدیریتی و آماده‌سازی فضای جغرافیایی مزارع، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و... را فراهم کرد.

قطعا چنین تصمیمی اگر اجرا شود، اقدامی تحسین‌برانگیز، امیدبخش و موثر خواهد بود، مشروط به اینکه از مرحله شعار به مرحله اجرا درآید.

*وکیل دادگستری و استاد دانشگاه

دبیر کمیسیون اصل ۹۰ درباره واکنش نمایندگان به عملکرد رییس‌جمهور:

شکایت‌های جدید در راه است

عکس: مهدی حسنی، شرق

ادامه از صفحه اول

چرا در ماجرای شکایت‌های نمایندگان از رییس‌جمهور از همه پیگیرتر هستید؟

چون طراح شکایت از آقای احمدی‌نژاد، خودم هستم.

تنها به همین دلیل در میان ۲۸۴ نماینده پیگیرتر از بقیه هستید؟

آن چیزی که می‌تواند کشور را به جلو ببرد و ضعف‌ها را برطرف کند، عمل به قانون است. ما همه به استناد قانون در این سمت‌ها نشستیم پس باید بپذیریم قانون فصل‌الخطاب است. اگر قانون اجرا نشود سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. درست نیست وقتی سمتی را می‌گیریم در مقابل انتقادها بگوییم قانون چنین گفته اما وقتی قرار است براساس همان میثاق پاسخگو باشیم، قانون را بی‌ارزش بدانیم و زیر پا بگذاریم. خلاف قانون، خلاف شرع است و نمی‌شود فقط اگر کسی دو رکعت نماز نخواند به او تذکر دهیم. قانون حق‌الناس است و اگر بشکند دین به گردن قانون‌شکن می‌افتد. حضرت رسول(ص) آخرین روزهای حیاتش می‌آید بین مردم و می‌گوید من به همین زودی از میان شما خواهم رفت هرکسی به گردن من دین دارد یا حلال کند یا بگوید تا ادا شود و ماجرای آن چوب پیش می‌آید. این سمبل نهایی یک اندیشه است. وقتی پیامبر این‌طور رفتار می‌کند، نمی‌خواهد تئاتر بازی کند، می‌خواهد بگوید کسانی که پیرو من هستند باید این‌گونه باشند و قبل از اینکه از این دنیا رخت بربندند باید حساب‌شان را پاک کنند. ما هم می‌خواهیم کمک کنیم که آقای احمدی‌نژاد به عنوان رییس‌جمهور حسابش را در این دنیا پاک کند. قانون برای همه جمعیتی است که در یک نظام زندگی می‌کنند. اگر از سوی حاکمان رعایت نشود اهانت کردن به مردمان یک قلمرو است. ما نماینده‌ایم شاید بتوانیم از خیلی‌چیزها بگذریم ولی از بی‌حرمتی به مردم و شکستن قانون نباید گذشت. اگر قانون بشکند، یعنی هرج‌ومرج، یعنی اعمال سلیقه فردی. دلیلی که باعث می‌شود من روی موضوع شکایت از رییس‌جمهور بایستیم این است که ما سوگند خورده‌ایم که براساس قانون عمل کنیم.

برای ایستادن بر سوگندتان از ماده ۲۳۳ آیین‌نامه مجلس دست بردار نیستید؟ اصلا سابقه داشته در هفت مجلس گذشته، ماده ۲۳۳ در مورد رییس دولتی اعمال شده باشد؟

ماده ۲۳۳ از کارهای مجلس هشتم است و قبلا نبوده و داستان جالبی دارد.

چه شد که این ماده در مجلس هشتم به آیین‌نامه اضافه شد، داستانش چیست؟

ماده ۲۳۳ خیلی جالب است و در همان روزهایی که بحثش شد تاثیرگذاری‌اش خیلی فراتر از اینی بود که الان در آیین‌نامه مجلس می‌بینید؛ برخی یک مقدار احساس‌خطر کردند و جمعش کردیم. ماده ۲۳۳ آیین‌نامه داخلی می‌گوید هرگاه حداقل ۱۰ نفر از نمایندگان یا هرکدام از کمیسیون‌ها عدم رعایت استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رییس‌جمهور، وزیر یا مسوولان دستگاه‌های زیرمجموعه آنها را اعلام کنند، موضوع بلافاصله از طریق هیات‌رییسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع می‌شود. کمیسیون هم حداکثر در مدت ۱۰ روز موضوع را رسیدگی و در صورت وارد بودن با اظهارنظر صریح گزارش خود را مبنی بر محرز بودن یا نبودن تخلف به هیات رییسه اعلام می‌کند، بعد از آن رای‌گیری می‌کنند و مجلس نظر می‌دهد که تخلف وارد است یا خیر. اگر تخلف وارد دانسته شود به قوه‌قضاییه ارجاع می‌شود و اگر نه که هیچ.

چه شد که نمایندگان به ذهن‌شان رسید این ماده را به آیین‌نامه اضافه کنند؟

سال دوم دور هشتم بود اینکه تصمیم بر متولد کردن این ماده گرفتیم. نمایندگان احساس کردند بعضی از مسوولان در رابطه با اجرای قوانین عزم راسخی ندارند و از قوانین استنکاف می‌کنند؛ به همین واسطه پیشنهادهایی دادند که به کمیسیون‌های مختلف رفت و نهایتا نتیجه‌اش شده ماده ۲۳۳ آیین‌نامه داخلی مجلس.

آن متن نخست ماده ۲۳۳ که می‌گویید اولش خیلی خاص بود، تفاوتش با متن کنونی چیست؟

آنجا گفته شده بود که اگر سه تا کارت زرد یا سه اخطار مبنی بر محرز بودن تخلف به دولت داده شد، به صورت خودکار استیضاح مطرح شود؛ بدون امضا کردن یک طرح.

الان چطور است؟

الان بعد از سه کارت زرد تقریبا ۵۰درصد مسیر استیضاح طی می‌شود و ۵۰درصد بقیه را باید با ارایه طرح استیضاح طی کرد.

یعنی باید نمایندگان طرحی را بنویسند تا استیضاح صورت بگیرد؟ خب اینکه همان آیین‌نامه قبلی است؟

بله! منتها با وصف اینکه فضای عمومی جامعه به دلیل رأی نمایندگان به محرز بودن تخلف‌ها آماده شده.

فکر می‌کنم ماده ۲۳۳ یکی از معروف‌ترین ماده‌ها است؟

بله! واقعا هم یک ماده جامع و بازدارنده‌ای است که ترمز خوبی برای بی‌قانونی‌ها و عدم احترام دولتیان به قانون است. این باعث می‌شود کسی با خیال راحت از قانون عبور نکند و با خودش بگوید مجلس که کار خاصی نمی‌تواند انجام دهد.

پس چرایی ایجاد این ماده برای این بوده که حجم عبور دولت از قانون زیاد بوده؟

عملکرد دولت نهم، این باور را ایجاد کرد که جای چنین ماده‌ای در آیین‌نامه مجلس خالی است، در واقع دولت نهم، مجلس را به این نتیجه رساند که باید ماده‌ای برای نظارت بیشتر، جدی‌تر و عملی‌تر در مواجهه با دولت داشته باشد.

شما طراح همه شکایت‌ها هستید؟

نه، شکایت اصلی که ۹ بند داشت را من طرح کردم تا به امروز از هفت شکایتی که صورت گرفته در مورد یکی رای‌گیری شده و به قوه‌قضاییه رفته و تخلف محرز دانسته شده. در مورد چهار شکایت گزارش ناقصی قرائت شد و به واسطه ناقص‌بودن در مورد آن رای‌گیری نشد؛ البته این را هم بگویم که به استناد قانون باید برای هر شکایت جداگانه رای‌گیری شود.

گویا تاکنون دو شکایت از رییس‌جمهور به قوه‌قضاییه ارجاع شده؛ یکی در ارتباط با سرپرستی بر وزارت نفت و یکی هم عدم پرداخت پول توسعه مترو.

در مورد شکایتی که راجع به سرپرستی غیرقانونی بر وزارت نفت بود، رای‌گیری شد و به قوه‌قضاییه رفت. شکایت مترو هم به قوه‌قضاییه رفته ولی نه براساس ماده ۲۳۳ آیین‌نامه مجلس.

پس بر چه اساسی؟

گزارشی که کمیسیون اصل ۴۴ مطرح کرد را مجلس وارد دانست و به قوه‌قضاییه فرستاد.

آن هم کارت زرد محسوب می‌شود؟

خیر، چون فقط شکایت‌هایی که در قالب ماده ۲۳۳ آیین‌نامه داخلی مجلس صورت بگیرد و از نمایندگان رای‌گیری شود، کارت زرد محسوب می‌شود البته فقط محدود به گزارش‌های کمیسیون اصل ۹۰ نیست.

پس تا الان یک کارت زرد به‌حساب دولت نوشته شده؟

بله. کارت سوم که داده شود نمایندگان می‌توانند طرح موضوع استیضاح را مطرح کنند.

الان چند شکایت در جریان است؟

چهار شکایت در دستور کار قرار داشت که گزارش‌شان تهیه شد اما بسیار ناقص و دستکاری‌شده قرائت شد، یک شکایت هم چند روز پیش از سوی ۱۲ نماینده در مورد هدفمندی یارانه‌ها مطرح شد و ۱۱ نماینده اصولگرا هم چند روز پیش شکایت دیگری از رییس‌جمهور در مورد اختلاس سه هزار میلیارد تومانی مطرح کردند.

گویا شکایت نمایندگان اصولگرا از احمدی‌نژاد در مورد اختلاس سه هزار میلیارد تومانی منتفی شده.

منتفی نشده. من با آقای توکلی صحبت کردم، گفتند منصرف نشدیم، منتظریم نتیجه گزارش کمیسیون اصل ۹۰ از اختلاس اعلام شود.

در شکایت ۱۲ نماینده به دلیل هدفمندی یارانه هم جزو شاکیان رییس‌جمهور هستید؟

بله.

چرا سه هفته پیش گزارش چهار مورد شکایت این‌گونه ارایه شد؛ ناقص و متناقض. در واقع نتیجه بررسی‌های کمیسیون اصل ۹۰ از چهار شکایت از رییس‌جمهور هم قرائت شد، هم نشد. گزارشی در صحن توزیع شد که قرائت نشد و گزارشی قرائت شد که توزیع نشد. گزارشی هم که شما همواره دنبال قرائت آن بودید، کلا ناپدید شد.

کمیسیون اصل ۹۰ بازوی نظارتی مجلس و نظام است و بنا به صلاحدید هیات‌رییسه به لحاظ اینکه موضوع شکایت از آقای احمدی‌نژاد خیلی جدی بود، این شکایت‌ها به این کمیسیون آمد. گزارشی تهیه شد که تخلف‌های دولت را محرز اعلام کرد و اصرار من هم برای قرائت آن گزارش بود اما به یک باره و در میان عدم حضور من و برخی دوستان عضو کمیسیون گزارش دیگری خوانده شد که بسیار ناقص بود.

گزارش اصلی را چه کسی نوشت؟

گزارش را کارشناسان کمیسیون می‌نویسند. شکایت‌ها از طرف هیات‌رییسه به کارشناسان کمیسیون ارجاع شد و آنان گزارش‌شان را به کمیسیون دادند و در آنجا در مورد گزارش رای‌گیری شد.

یعنی چهار شکایت آنجا به رأی نمایندگان عضو کمیسیون اصل ۹۰گذاشته شد؟

بله.

و هر چهار تا رأی آورد؟

هر چهار تا را در یک مجموعه خواندند که تخلف در آن گزارش محرز دانسته شد. البته ناگفته نماند من در همان جلسه هم گفتم که این رسیدگی را ناقص می‌دانم و در زمان مطرح شدنش اعتراض خواهم کرد.

چرا؛ مگر تخلف‌ها محرز نبود؟

موضوعاتی که آنجا مطرح شد، بسیار جدی بود و منابع‌اش هم مشخص. اما بر خلاف آیین‌نامه مجلس رسیدگی کلی به شکایت‌ها صورت گرفت نه جز به جز. از سوی دیگر، باید ظرف ۱۰ روز رسیدگی می‌شد که نشد.

این شکایت‌ها از اسفند گذشته شروع شد.

از پنجم اسفند شروع شد و قانونا هم برای رسیدگی ۱۰ روز وقت در اختیار کمیسیون بود.

اما ماه‌ها رسیدگی شد و طبق گزارشی که قبلا اعلام کردید و در پی قرائت آن بودید در سه تخلف، تخلف رییس‌جمهور کاملا محرز بود و در مورد یک شکایت که خودش مجموعه‌ای از چند شکایت بود در برخی موارد تخلف محرز بود و برخی خیر.

بله، این همان گزارشی است که در کمیسیون در مورد آن رای‌گیر شد.

پس چطور گزارشی که قرائت شد با گزارشی که شما می‌گویید، فرق دارد؟

من بی‌تقصیرم، به واسطه اینکه نمی‌دانم چرا آن چیزی که به هیات‌رییسه اعلام شد با آن چیزی که در کمیسیون راجع به آن رای‌گیری شد و در آن تخلفات محرز بود، متفاوت بود.

شما گزارشی که قرائت شد را دیدید؟

من آن روز نبودم. اما باز هم تاکید می‌کنم آن گزارشی که در موردش رای‌گیری شد، در سه شکایت تخلف قطعی بود و در شکایتی که بندبند بود هم حداقل در سه بند تخلف‌ها محرز بود.

پس عملا برای چهار شکایت، سه گزارش وجود دارد و نه حتی دو گزارش. یک گزارش، گزارشی است که توزیع شد؛ اما خوانده نشد. گزارش بعدی، گزارشی است که خوانده شد؛ اما توزیع نشد و گزارش نخستی هم هست که شما دنبال قرائت آن بودید که اصلا معلوم نیست کجاست؟ تفاوت‌شان هم در این است که در گزارشی که خوانده شد؛ اما توزیع نشد تقریبا فقط یکجا تخلف رییس‌جمهور محرز بود و بقیه جاها تخلفی محرز اعلام نشد، در گزارشی که توزیع شد ولی خوانده نشد بر عکس این بود و در گزارش اولیه هم به جز بندهایی از یک شکایت در بقیه شکایت‌ها تخلف محرز بود؛ این تناقض، تناقض کم‌نظیری است.

در مجلس هفتم و هشتم این‌گونه تناقض‌های عجیب رواج داشته و دارد.

چرا؟

به‌دلیل نشاندن مصلحت به جای قانون، بعضی از دوستان از روی دلسوزی مصلحت‌اندیشی‌هایی می‌کنند که این مصلحت‌اندیشی‌ها را به نفع نظام نمی‌دانم. الان هم نتایج این مصلحت‌اندیشی‌ها را می‌بینیم، کشور به طرفی می‌رود که مشکلات عدیده‌ای ایجاد شده و می‌شود. باید به این آقایان مصلحت‌اندیش گفت: آخر مصلحت‌اندیشی تا یک‌جایی نه همه جا. جایی که عده‌ای می‌خواهند بگویند مصلحت هست که این‌گونه شود یا نشود باید رفراندوم برگزار شود؛ اگر طرفدار رفراندوم هستند، بسم‌الله.

چرا رفراندوم؟

چون حق مردم داخل این مصلحت بودن یا نبودن نهفته است و همه باید نظر بدهند. کسی حق نداشته گزارشی که ما آماده کردیم و در مورد آن رای‌گیری هم شد و مورد تایید قرار گرفت و به صراحت تخلف‌ها را محرز اعلام می‌کرد به نام مصلحت قربانی کند.

و برای این قربانی کردن، رفراندوم برگزار کردند؟

نه! حتما مصلحت این بوده که نظر بقیه را نخواهند! پنج نفر، یک گروه، حتی یک مجلس نمی‌تواند بگوید مصلحت فلان است یا بهمان نیست؛ چون جایی که قانون وجود دارد، چیزی به نام مصلحت معنا و مفهوم ندارد. حالا اگر قانون ضعف دارد بیاییم ضعف قانون را جبران کنیم ولی برداشت‌های خودمان از قانون را به نام مصلحت القا نکنیم. اگر این‌گونه باشد مردم هم می‌آیند سر چهارراه می‌گویند مصلحت نبود پشت چراغ قرمز بایستیم؛ آن‌وقت حکومت قبول می‌کند؟

در کمیسیون اصل ۹۰ چند نفر هستید؟

هفت عضو دایم داریم و با نمایندگان کمیسیون‌ها – هر کمیسیون یک نماینده -حدود ۲۲ نفر هستیم.

اکثریت اعضای کمیسیون در جلسه‌ای که راجع به گزارش شکایت از رییس‌جمهور تصمیم‌گیری شد حضور داشتند؟

اکثریت اعضا همراه با دو نفر از معاونان آقای احمدی‌نژاد یعنی خانم بداغی و آقای میرتاج‌الدینی بودند. آنها هم حتی توضیحات‌شان را دادند؛ گزارشی که آنجا به تصویب رسید همان گزارشی بود که با استناد به آن در گفت‌وگو با شرق، اعلام کردم که تخلف‌ها محرز است.

گزارش را آن روز حسین فدایی آورد و علیرضا زاکانی خواند. حتما ابراهیم نکونام به عنوان رییس کمیسیون هم گزارش را امضا کرده؛ یعنی رییس و نواب رییس در جریان بودند. چه اتفاقی می‌افتد که در مورد گزارشی رای‌گیری می‌شود، اما گزارش دیگری خوانده می‌شود؛ بالاخره یک نفر این تنظیم را تغییر داده.

آن روز من در مجلس نبودم، چون رییس قوه‌قضاییه به زنجان آمده بودند. دوستان اعتراض کردند به رییس‌وقت جلسه، آقای باهنر، که گزارش ناقص است و باید بعد از کامل شدن، قرائت شود و بعد هم در مورد آن رای‌گیری شود. من هم بعد از شنیدن خبر قرائت گزارش به آن شکل و محتوای تغییر یافته، با آقای باهنر صحبت کردم و شدیدا از این جریان گله کردم که چرا محصول کار ما در کمیسیون با گزارشی که به نام ما در صحن قرائت شد از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

چرا؟

چون بالاخره خیلی‌ها ناراضی و نگران از گزارشی بودند که تخلف‌ها را محرز اعلام کرده است.

چه کسانی ناراحت بودند؟

کسانی که تخلف کرده بودند و باید جواب می‌دادند. آن روز من به آقای با هنر عرض کردم این چه کاری است شما کردید که گفتند قرار بر این شد با مسوول کمیسیون بنشینیم و قضیه را روشن کنیم که با یک سازماندهی منطقی و درست گزارش جدید تکمیل شود. در قانون صراحتا آمده کمیسیون نظر بدهد که تخلف محرز هست یا نیست؛ دیگر توضیحات حاشیه‌ای که ما تخلف‌ها را ارایه دادیم به دولت و فلان شد و بهمان نشد، نیامده. گرچه این شکایت‌ها تجربه اول برای اعمال ماده ۲۳۳ آیین‌نامه بود.

باهنر چه گفت؟

قول داد تلاش کند تا نتیجه روشن شود. این قضیه شکایت و سوال از رییس‌جمهور واقعا جالب شده. مثلا بعد از قرائت این گزارش، من نسبت به روند غیرقانونی صورت گرفته تذکر دادم اما برخی به جای توجه به تذکر من از خلاف قانونی که صورت گرفته و مصلحت‌سنجی‌های برخی به نام مجلس، گله کردند و گفتند شما با آقای لاریجانی هماهنگ کردید علیه احمدی‌نژاد تذکر بدهید. در صورتی که اصلا چنین چیزی نبوده. خدا شاهد است بنده به تکلیف خودم درخواست تذکر کردم؛ یعنی حتی رییس مجلس هم با این روندی که در مورد شکایت از رییس‌جمهور طی شده، موافق نبودند.

من هنوز جواب سوالم را نگرفتم. از رییس و نواب رییس پرسیدید که این گزارش چطور به این سرنوشت دچار شد؟

نه!

چرا؟

چون پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی آنقدر بزرگ و عمیق است که این روزها تمام وقت کمیسیون اصل ۹۰ را گرفته است.

یعنی حتی یک کلمه هم نپرسیدید؟

از ابتدا تا انتهای جلسه‌ها صحبت، صحبت اختلاس است.

اما این گزارش پنج بار چاپ شده و در دستور کار مجلس قرار گرفته است؟

پنج‌بار در دستور کار مجلس چاپ شد اما خوانده نشد تا به این سرنوشت دچار شد و جالب اینجاست که در قانون آمده اگر نظر کمیسیون اصل ۹۰ به هیات‌رییسه ارسال شود، گزارش کمیسیون باید بدون فوت و خارج از نوبت قرائت شود.

ولی مدت‌ها معطل ماند؟

ما این را مکرر به هیات‌رییسه تذکر دادیم اما خیلی تاثیری نداشت.

آن پنج بار هم شکایتی چاپ شد که راجع به آن رای‌گیری کرده بودید؟

بله! چون غیر از آن گزارش قرار نبود گزارش دیگری به صحن بیاید.

شما الان دقیقا نمی‌دانید که چه کسی اعمال نظر کرده؟

حقیقتا سوال نکردم و اگر کسی اعمال نظر کرده باشد من متاسفم!

بالاخره خودبه‌خود که گزارش تغییر نمی‌کند؟

باید موضوع را پیگیری کنیم تا ببینیم چه می‌شود.

کمیسیون اصل ۹۰ ویژه‌ترین کمیسیون مجلس است. اگر نبود نمی‌گفتند به اختلاس رکورددار و تاریخ‌شکن سه‌هزارمیلیاردی رسیدگی کند. وقتی در کمیسیون اصل ۹۰ چنین اتفاقاتی می‌افتد و گزارشی با یک متن مشخص تصویب می‌شود، بعد یک گزارش دیگری قرائت می‌شود و توضیحی راجع به آن داده نمی‌شود، علامت سوال بزرگی ایجاد می‌کند.

واقعیتش این است که کارشناسان و مجموعه کمیسیون اصل ۹۰ در رسیدگی به این چهار شکایت و در جریان اختلاس، کار ویژه‌ای انجام داده و می‌دهند. منتها وقتی به رای‌گیری می‌رسیم مصلحت‌اندیشی‌ها رخ می‌دهد. کار خیلی ارزشمندی بود.

ادامه در صفحه ۴

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **گلایه از شورای آرد و نان:** چرا شورای آرد و نان به تخلف نانوایی‌ها رسیدگی نمی‌کند؟ از مسوولان مربوطه تقاضا داریم آمار خود را در برخورد با نانوایی‌های متخلف به مطبوعات ارایه دهند. این در حالی است که بسیاری از مردم از پخت نامطلوب نان به نانوایی‌ها اعتراض دارند و متقاضی رسیدگی به این موضوع هستند.

میثم اردشیری

■ **چاره‌اندیشی ترافیک:** بزرگراه شهید حقانی، حد فاصل ابتدای خیابان نفت‌جنوبی تا چهارراه جهان‌کودک، بعدازظهرها ترافیک سنگینی دارد. لطفا مسوولان مربوطه چاره‌اندیشی کنند.

مبین از تهران

■ **درخواست ساکنان جاده ناهارخوران گرگان:** از گرگان تماس می‌گیرم. لطفا در ستون مربوطه بنویسید ساکنان جاده ناهارخوران این شهر از اعضای شورای شهر و شهرداری تقاضا دارند به پیاده‌روها و خیابان‌ها و جمع‌آوری نامطلوب زباله‌ها در این محل رسیدگی کنند. خیابان‌ها دست‌اندازهای فراوانی داشته و پیاده‌روها به رسیدگی بیشتری نیاز دارند.

داوود زاهدی از گرگان

■ **تقاضا از شهردار کرمان:** ساکنان خیابان سرباز ۶، واقع در کوی المهدی کرمان از شهردار این شهر تقاضای رسیدگی به آسفالت این محل را دارند. امیدواریم چاپ این پیام در ستون پیام‌های مردمی، گشایشی برای مشکلات مردم باشد.

فرزانه زنگی‌آبادی از کرمان

■ **گوشت مشکوک در میدان شوش:** در میدان شوش، تعدادی از قصابی‌ها گوشت چرخ‌کرده را کیلویی چهار هزار تومان به فروش می‌رسانند و با حروف درشت برای اطلاع‌رسانی مردم نوشته‌اند: «گوشت گوساله با کیفیت بالا چهارهزار تومان» شگفتا! امروزه استخوان گوساله را هم کیلویی چهارهزار تومان نمی‌دهند! از مسوولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان دامپزشکی تقاضا داریم برای پیشگیری از به خطر افتادن سلامت مردم، هرچه سریع‌تر به این موضوع رسیدگی کنند.

حکیمه کاشفی از تهران

■ **گلایه از افزایش نرخ مکالمات تلفنی:** مردم از اینکه فیش‌های تلفن با نرخ‌های بالا محاسبه می‌شود و به دست‌شان می‌رسد شکایت دارند. از سویی مسوولان از افزایش هر پالس آن در مطبوعات سخن گفته‌اند که بیشتر موجب نارضایتی شهروندان شده. چه کسی مسوول رسیدگی به این موضوع است؟

محمدامین اردشیری